

نقدک به وضعیت کنونی مدارس غیر دولتی

با توجه به اینکه دولت به تنهایی نمی‌تواند هزینه‌های بسیار آموزش و پرورش را تأمین کند، یکی از هدف‌ها و برنامه‌های سیاست‌گذاران بخش آموزشی کشور توسعه مشارکت‌های مردمی در تأسیس، اداره و تأمین هزینه‌های آموزشی و پرورشی است. به همین منظور و برای توسعه مشارکت و سرمایه‌گذاری افراد حقیقی و حقوقی در آموزش و پرورش، در تاریخ ۱۳۶۷/۳/۵ قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در حال حاضر، در ساختار اداری و تشکیلاتی آموزش و پرورش، مدارس غیردولتی زیر نظر سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی و خانواده‌فعالیت می‌کنند و مجوزهای مربوطه را از ادارات مشارکت‌های مردمی مستقر در ادارات کل و نواحی و مناطق دریافت می‌کنند که باید در دفتر مدرسه در معرض دید نصب کنند.

یکی از ویژگی‌های بارز مدرسه‌ی مطلوب، ایجاد محیطی محرک برای یادگیری مؤثر و عمق بخشیدن به یادگرفته‌های دانش‌آموزان است. ایجاد چنین محیطی در مدرسه به استفاده از معلمان و مربیان مجرب و دوره دیده در فرایند یاددهی-یادگیری هر مدرسه وابسته است. معلمان شاغل در مدارس غیردولتی به ترتیب اولویت باید یکی از این گزینه‌ها باشند:

- معلمان رسمی که به‌عنوان مأمور در این گونه مدارس تدریس می‌کنند؛
 - معلمان بازنشسته‌ی توانمند؛
 - معلمان نیروی آزاد که تأییدیه‌ی گزینش و گواهی دوره‌های مرتبط لازم برای تدریس را دارا هستند.
- واقعاً چند درصد از معلمان مدارس غیردولتی از نیروهای رسمی آموزش و پرورش هستند؟!

آنچه مشخص است، با توجه به کمبود نیرو در خود آموزش و پرورش رسمی، در مدارس غیردولتی تقریباً از هیچ نیروی رسمی به صورت مأمور استفاده نمی‌شود! در مورد معلمان بازنشسته‌ی توانمند هم این نکته نیاز به یادآوری دارد که بیش از نود درصد همکاران عزیزی که بعد از طی سالیان خدمت در مدارس دولتی و با تحمل مشقت‌های زیاد بازنشسته شده‌اند، اگر هم توانمند باشند، امروز دیگر نه قادر به ارائه‌ی توانمندی خود هستند و نه انگیزه‌ای برای ارائه‌ی توانمندی خود دارند. در حالی که امروزه تشخیص توانمند بودن همکار بازنشسته برای تدریس در مدارس غیردولتی، بیشتر بر عهده‌ی روابط است نه بر اساس ضوابط! تعداد معلمان نیروی آزاد که در مدارس غیردولتی تدریس می‌کنند به شدت رو

به افزایش است. معلمی، مثل بسیاری از مشاغل، علاوه بر داشتن تخصص و توانایی علمی و حرفه‌ای، لازمی دیگری هم دارد و آن عشق و شوق است. فردی که با داشتن مدرک عالی‌ی تحصیلی در رشته‌های نظری و فنی، به جای آنکه در رشته‌ی تخصصی‌اش به کار گرفته شود، در مدرسه‌ای غیردولتی با کمترین حقوق و مزایا در رشته‌ی غیرتخصصی تدریس کند، می‌تواند عاشق معلمی باشد و با شوق در کلاس درس حضور یابد؟ آیا دوره‌های مرتبط لازم برای تدریس را گذرانده است؟ در حال حاضر، آموزش و پرورش در دانشگاه فرهنگیان چهار سال برای هر دانشجو هزینه می‌کند تا از او معلم بسازد. مدارس غیردولتی ما چه مدت و چه میزان برای نیروهای آزاد هزینه می‌کنند؟ آیا فرستادن این همکاران به دوره‌های کوتاه مدت ضمن خدمت در طول سال که جمعاً دویست ساعت هم نمی‌شود، چاره‌ساز است؟ از دیگر معیارها و ملاک‌های یک مدرسه‌ی مطلوب، به‌خصوص غیردولتی، موقعیت استقرار ساختمان و فضای مدرسه، برنامه‌ی درسی و فوق برنامه‌ی مصوب است. دانش‌آموزانی که از نظر مالی توانایی ثبت‌نام در مدارس تحت نظارت شما را دارند، آینده‌سازان این مملکت هستند. اگر می‌خواهید آینده را بسازید، پیشرفت آموزشی و پرورشی دانش‌آموزان را مد نظر داشته باشید، چراکه مدارس غیردولتی باید هدفشان آموزش بهتر و با کیفیت‌تر، با استفاده از معلمان باتجربه و روش‌های تدریس پیشرفته و کارایی و بهره‌وری بیشتر باشد، نه تبلیغات غیرواقعی برای جذب دانش‌آموزان بیشتر و درامدزایی. ■